

## دیه مقتول صرف آزادی زندانیان شد

اولیای دم یک پرونده قصاص در استان البرز، پس از دریافت مبلغ چهار میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان پول دیه، آن را صرف آزادی دیگر زندانیان کردند.

به گزارش روابط عمومی دادگستری استان البرز، حسین فاضلی هریکندی، رئیس کل دادگستری البرز گفت: ۱۹ سال قبل زنی به اتهام قتل فردی بازداشت و زندانی شد و حکم قصاص گرفته بود. با تلاش های انجام شده در شعبه ششم

اجرای احکام کیفری کرج برای گذشت اولیای دم از حق قصاص، آنها اعلام می کنند به شرط دریافت مبلغ چهارمیلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان بابت دیه حاضر به گذشت از حق خود و اعلام رضایت هستند. در ادامه و باتوجه به نبود بضاعت مالی خانواده محکوم، با ظرفیت ایجاد شده، تلاشی از سوی تعداد زیادی از مردم و خیرین برای جمع آوری این مبلغ شکل گرفت و پول دیه فوق جور شد.

وی افزود: اولیای دم در یک اقدام غیرمنتظره ضمن اعلام گذشت قطعی از حق قصاص نفس، درخواست کردند تا مبلغ جمع آوری شده برای آزادی زندانیان مالی و غیرعمد استفاده شود؛ بنابراین علاوه بر آزادی زن زندانی بعد از ۱۹سال، مقدمات نجات ۴۵ زندانی دیگر نیز که سال هابه دلیل محکومیت های مالی یا بدهی در حبس بودند به واسطه همان پول دیه فراهم شد.



# قصه باور نکردنی سرقت از بانک

در جریان ۱۶۰ دقیقه محاکمه متهمان در دادگاه کیفری، سرقت بزرگ صندوق امانات تشریح شد

**متهمان اصلی دستبرد به صندوق امانات بانک ملی در ۱۶۰ دقیقه محاکمه، جزئیات این سرقت عجیب را تشریح کردند.**

**این متهمان همچنین پذیرفتند، قبل از این سرقت وارد بانک تجارت شده اما نتوانستند از آنجا سرقت کنند. در حالی که تصور می شد دزدان با سناریویی هالیوودی به بانک دستبرد زدند اما متهمان مدعی شدند با ساده ترین روش ها از بانک سرقت کردند. آن طور که بانک اعلام کرده، دو کیلو طلای پیدا شده از متهمان را هیچ مالباخته ای گردن نمی گیرد و صاحبی ندارد. آرمین و هاتف دو متهم اصلی این پرونده هستند که در تعطیلات ۱۴ و ۱۵ خرداد سال ۱۴۰۱ به مخزن صندوق امانات بانک ملی شعبه دانشگاه تهران دستبرد زدند. یکی از متهمان این پرونده چند روز قبل در زندان اقدام به خودکشی کرد که زنده ماند.**

محمد غمخور  
ادبیر گروه حوادث

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۹:۴۵ دیروز جلسه رسیدگی به این پرونده در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران و به صورت علنی برگزار شد. ۱۱ متهم پرونده در این جلسه حاضر شده بودند. متهمان ردیف اول تا چهارم که نقش اصلی در سرقت را داشتند، از زندان به دادگاه کیفری یک استان تهران منتقل شده بودند. چهار مرد جوان که دو نفر از آنها دزدان اصلی اموال داخل صندوق امانات بودند و پس از خارج شدن از بانک بادو کیسه پر از طلا و ارز، تصور می کردند زندگی روی خوش خود را به آنها نمایش داده است؛ این روی خوش زیاد دوام نیاورد و در حالی که آنها به ترکیه گریخته بودند با پیگیری پلیس اینترنتیل دستگیر و بعد از حدود هفت ماه به پلیس ایران تحویل داده شدند. رئیس دادگاه در ابتدای جلسه از نماینده بانک ملی و تجارت خواست شکایت خود را

نشده، صورت گیرد. طی این پروسه وزارت اطلاعات تحقیقات جامعی انجام داد و براساس مستندات ۲۲۸ میلیارد تومان جبران خسارت کردیم. دو کیلو طلا هم بالاتکلیف مانده است. در ادامه قاضی از یکی از شاکیان و وکیل شاکي دیگر که در دادگاه حضور داشتند، خواست شکایت خود را مطرح کنند. شاکي پرونده با

شکایت از بانک ملی و متهمان گفت: من دو صندوق داشتم که ۹۰ درصد یکی از صندوق ها را پرداخت کرده اند اما اموال صندوق دوم پرداخت نشده و جواهراتم که سه سال قبل سه میلیارد تومان قیمت داشت، در صندوق دوم قرار داشته است. وکیل شاکي دیگر هم اظهار کرد: موکلم ۲۸۳ گرم طلا در صندوق

امانات بانک ملی داشت که ۲۷۱ گرم آن احراز نشده است. ۲۱ گرم از طلاهای احراز نشده هم هنوز به موکلم تحویل نشده است. موکلم از بانک ملی و متهمان شکایت دارد.



برای دیدن فیلم  
کیفری را کلیک کنید

## در بانک را با یک هل باز کردیم

**رئیس دادگاه:** عکس گرفتی؟  
**آرمین:** نه، نقشه هوایی آنجا در اینترنت بود و آن را بررسی کردم. متوجه شدم فقط یک در نفرو و ماشین رو از خیابان دارد.  
**رئیس دادگاه:** بعد چطور به بانک دستبرد زدید؟  
**آرمین:** بعد از یک ماه فشار طلبکاران زیاد شد. روزی که هاتف خانه مان بود، به او گفتم امشب به بانک دستبرد بزنیم؟ که قبول کرد. وسایل را جمع کردیم و از بارود و یک نفر دیگر خواستم ما را با موتور به محل سرقت برسانند.  
**رئیس دادگاه:** چه وسایلی همراه داشتید؟  
**آرمین:** دستگاه هوا برش، سیم چین، قیچی آهن بر، انبردست، پیچ گوشتی، دیلم و چاقو.  
**رئیس دادگاه:** چطور عمل کردید؟  
**آرمین:** دو ساک خدمت سربازی برداشتیم و وسایل را داخل آن ریختیم و مقابل بانک رفتیم. جلوی در بانک رسیدیم آماده بریدن قفل شدیم اما در قفل نداشت و با هل دادن در وارد شدیم. در به آن سنگینی، جک کوچکی داشت که با فشار باز شد و وارد شدیم. وارد پارکینگ شدیم، همه جا با تابلو مشخص شده بود. ابتدا سیم تلفن را قطع کردم. بعد سراغ دوربین ها رفتم و سیم های آن را قطع کردم. هیچ قفلی را تخریب نکردیم اما بانک ها قفل هایی را اضافه و برای ما فاکتور کردند. داخل رفتم و بعد جعبه دزدگیرها را پیدا کردم و سیم باتری و بعد سیم برق آن را کشیدم. این که می گویند ما هک کردیم درست نیست و ما ۴-۵ دقیقه ای سرقت را انجام دادیم. بعد به پشت در پارکینگ رفتم و منتظر ماندم تا اگر ماجرا لو رفته، فرار کنیم. دو ساعت نشستیم. حدود ساعت ۴ صبح بود که به سمت صندوق ها رفتم. مخزن در بزرگی داشت که سمت آن رفتم و پنجره نظارت را با دستگاه هوا برش باز کردم. سراغ صندوق ها رفتم و فکر کردم کار سختی دارم اما قفل هایش جسی بود و با یک جکش بازمی شد. صندوق ها را تخریب می کردم و هاتف محتوایش را داخل ساک ها می ریخت. می گویند حدود ۱۷۰ صندوق را خالی کردم، ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه صبح می خواستیم از بانک بیرون بیایم که به دلیل نماز جمعه خیابان شلوغ بود و تا ساعت ۳ صبر کردیم و بعد به برادرم رنگ زدم که دنبالم آمدند و همراه دو کیسه اموال سرقتی فرار کردیم.

**رئیس دادگاه:** در خصوص سرقت بانک تجارت توضیح بدهید؟  
**آرمین:** آنجا بانک محله مان بود و اطلاعاتش را داشتم. از گارازی در ضلع غربی بانک وارد شدیم. سیم آتیرها را قطع کردم. از شیشه شکسته ای دستم را داخل بردم و محافظ شب بند را باز کردم. داخل که رفتم، حالم ان بد بود. چند ساعتی خوابیدیم و بعد که بیدار شدیم هاتف گفت برگردیم که دستگاه ضبط فیلم ها را برداشتیم و بیرون آمدم.

رئیس دادگاه: با اموال چه کردی؟

**آرمین:** عین اموال را برگرداندم. بعد از سرقت ۲۰ میلیارد تومان به هاتف دادم. ۱۲۰۰ سکه و ۴۰۰ هزار تومان از اموال را برداشتم و به یکی از دوستانم دادم تا پس از خروج از کشور بدهی هایم را بدهد. حساب هایم مسدود بود و به همین دلیل به دوستم دادم تا این کار را بکند. ۴۰ میلیون تومان هزینه بلیت سفر به ترکیه دادم. بقیه اموال را در یک ماشین مخفی کردم که پیدا شد.  
**رئیس دادگاه:** اتهام شرب خمر را قبول داری؟  
**آرمین:** ما مشروب نخوردیم، این طور نمی توانستیم سرقت کنیم.

## فکر سرقت حالم را خوب می کرد

هاتف دومین متهمی بود که در جایگاه ایستاد و در برابر اتهاماتش گفت: بانک ملی و تجارت را قبول دارم اما چیزی تخریب نکردم. اتهام شرب خمر را هم قبول ندارم.

**رئیس دادگاه:** درباره سرقت بانک ملی توضیح بده.

**هاتف:** آرمین همه چیز را درست تعریف کرد. من آخر هفته ها به خانه آرمین می رفتم. او پیشنهاد سرقت داد. من مشکل روحی دارم و ۱۰ سال است زیر نظر روان شناس هستم. فکر کردن به سرقت حالم را خوب می کند. انرژی درونم با فکر به سرقت تخلیه



سپس متهمان ردیف سوم و چهارم در جایگاه قرار گرفتند که منکر معاونت در جرم شدند. آنها مدعی شدند می دانستند آرمین قصد سرقت دارد اما نمی دانستند قصد دستبرد به کجا را دارد تا این که او و هاتف را مقابل بانک پیاده کردند و روز بعد دنبال شان رفتند.

وکیل متهمان در دفاع از آنها گفت: وحدت قصدی بین متهمان ردیف اول و دوم با موکلان من نبود. آنها در ماجرا بانک تجارت حضور نداشتند.

در ادامه دیگر متهمان در جایگاه قرار گرفتند. شرکت در قبول مال مسروقه و پولشویی، اتهامات مشترک اغلب این متهمان بود که با رد اتهامات خود گفتند؛ ما اطلاعی از سرقتی بودن پول ها نداشتیم تا این که در رسانه ها متوجه شدیم سرقت بانک کار هاتف و آرمین بوده است.

یکی از متهمان گفت: هاتف وقتی به ترکیه گریخت دو بار با من تماس گرفت و حال و احوال کرد و به خاطر این دو تماس در میان متهمان هستم.

یکی دیگر از متهمان گفت: هاتف ۵۰ میلیون تومان به حسابم ریخت و بخشی را به افرادی که خواسته بود، دادم. بقیه را هم گفت برای خودت بردار. الان حاضرم پولی که برداشتم را برگردانم. عمه هاتف هم در دفاع از خود اظهار کرد: هاتف از بچگی پیش من بزرگ شد و خواست ارزاها را برایش تبدیل کنم و از سرقتی بودن به ما داده اند!

## ماجرا ی پیامک هشدار بانک

رئیس دادگاه سپس آخرین دفاع متهمان را گرفت که آرمین گفت: بانک ملی می گوید ۲۲۸ میلیارد خسارت داده و از ما مطالبه کرده است. اگر می خواهند تا آخر عمر در زندان بمانیم، بگویند. من فقط ۳۰۰۰ دلار را با خود به ترکیه بردم. یکی از شکات یک سال قبل از سرقت فوت کرده، چطور بعد از مرگش شکایت کرده است. ما بعد از سرقت برای این که در باز نماند و کسی وارد نشود به در بانک قفل زدم تا کسی بعد از ما وارد نشود. حالا فاکتور ۲۸ میلیونی قفل به ما داده اند!

هاتف هم اظهار کرد: سرقت تعزیری را قبول دارم اما حدی نبوده است. در پایان دادگاه نماینده بانک ملی گفت: مهم ردیف اول در دفاعیاتش گفته که با یکی از معاونان صحبت کرده و او برایش همه چیز را توضیح داده که این موضوع با عقل جور در نمی آید.  
**رئیس دادگاه:** اما برای رئیس بانک پیامک رفته و فکر کرده گربه رفته وجدی نگرفته است.  
**نماینده بانک ملی:** این پیامک ها هر شب می رود و باگ است. حتی اگر اسپیلت سرد یا گرم شود، این پیامک می رود.  
رئیس دادگاه پس از ۱۶۰ دقیقه ختم دادگاه را اعلام کرد تا در فرصت قانونی را پرونده صادر شود.

می شود. به خاطر همین اختلال از سربازی معاف شدم. در این سرقت فقط وسایل و اموال سرقتی را جابه جا کردم.  
**رئیس دادگاه:** در باره ورود به بانک تجارت بگو.  
**هاتف:** از در پشتی وارد شدیم اما حال مان خوب نبود و بدون سرقت بیرون آمدم. دستگاه ضبط فیلم را برداشتیم تا هویت مان مشخص نشود.  
**رئیس دادگاه:** چرا ۲ میلیارد تومان به تو داد؟  
**هاتف:** کار خاصی نکردم. همه کارها را آرمین انجام داد. با بخشی از پول ها بدهی هایم را دادم. مقداری به پدرم دادم و بخشی را به عمهام سپردم تا نگه دارد، البته عمهام همه را پس داده است.

تالنگر

## قتل به خاطر فحش ناموسی

مرد جوان که به اتهام قتل مردی در غرب تهران بازداشت شده بود در تحقیقات قضایی اعتراف کرد چون مقتول به مادر و خواهر او فحاشی کرده، جان او را گرفته است.

به گزارش خبرنگار جام جم، شهاب ۲۹ ساله متهم است که بامداد شانزدهم تیر امسال در جریان درگیری خیابانی در محله کن در غرب تهران و نزدیکی یک کافه رستوران، مردی ۲۷ ساله را کشت و با پایند الکترونیکی که داشت فرار کرد اما بعد از یک ماه فرار در خانه ای مرزی در غرب کشور بازداشت شد. متهم ۲۹ ساله دیروز به شعبه اول بازرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و در اظهاراتش گفت: سوابق متعدد کیفری در زمینه سرقت، درگیری و شرارت و دعوا داشتم. از اوایل اردیبهشت امسال پلیس امنیت تهران پایند الکترونیکی به پایم وصل کرد. بعد از آن اگر از شهر دور می شدم باید تلفنی به پلیس اطلاع می دادم، مدتی بود به عنوان کارگر بازیافت در شهرداری مشغول به کار شدم. می خواستم سالم زندگی کنم اما آن شب مقتول با دیدن من چپ چپ نگاه کرد و کری خوانی شروع شد. من مست بودم، انگار باید می جنگیدم. با دوستانش سر من ریختند. مقتول چوبدستی داشت. من هم تلفنی به دوستانم خبر دادم و دعوا گریه ادامه یافت. یکی از دوستانم مصدوم شد و خودم هم با چوبدستی مقتول مصدوم شدم، مقتول به من فحش ناموسی داد. با چاقو دو ضربه به آن جوان زدم که زخمی شد. چاقو را انداخته و فرار کردم. رقتم دره ای طرف کن و چهار روز آنجا بودم، به زور از افراد معناد غذا می گرفتم و می خوردم که زنده بمانم. روز دوم که آنجا بودم، دوستم به من اطلاع داد مرد زخمی مرده است. ترسیده بودم، پایند الکترونیکی را تخریب کرده و از پایم درآورده و زیر خاک دفن کردم. با یک قاقاچ بر آشنا شدم. ۱۰۰ میلیون تومان خانواده ام به او پرداختند و قرار شد بعد از انتقال به ترکیه ۱۰۰ میلیون تومان دیگر را بپردازند. قاقاچچی انسان مرا با ده ها نفر تبعه افغانستان و پاکستان به روستای مرزی در غرب کشور و بعد از آنجا ما را به ترکیه برد. ۱۵ روز در مرز ترکیه بودیم.

قاقاچ پر از مهاجران افغانستانی و پاکستانی دو برابر من پول گرفته بود. ۱۵ روز مرز ترکیه بودیم که پلیس تصور کرد من هم افغانستانی هستم و مرا اخراج کرد. دوباره به خانه مرزی در غرب کشور بازگشتم. خانواده ام می گفتند بیا و تسلیم شو اما از طرفی ترس قصاص اجازه تسلیم شدن نمی داد. یک روز مانده بود مرد قاقاچ پر دوباره با گذرنامه جعلی یک کشور دیگر مرا به ترکیه ببرد که بازداشت شده و در فرارم ناکام ماندم. محسن اختیاری، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: متهم در بازداشت به سر می برد و تحقیقات از او ادامه دارد.



## خودرایی برای اخاذی از ۲ خانواده

دختر ۱۳ ساله و پسر ۲۰ ساله بعد از دوستی اینستاگرامی تصمیم به ازدواج گرفتند و از خانه فرار کردند. آنها برای به دست آوردن پول دست به خودرایی زدند تا از خانواده هایشان اخاذی کنند که ناکام ماندند.  
به گزارش خبرنگار جام جم، نیمه دوم تیر امسال مردی با حضور در پلیس آگاهی تهران با طرح شکایتی گفت: با خانواده ام به مهمانی رفتم اما دختر ۱۳ ساله ام نیامد. آخر شب که بازگشتم دیدم وسایل خانه به هم ریخته و دخترم نیست و تلفنش خاموش است. سراغ او را از همسایه ها، طلاهای دوستان و ... گرفتم اما کسی خبری نداشت. طلاهای همسرم نیز سرقت شده بود. با این شکایت، تحقیقات پلیسی برای یافتن ردی از سرنوشت دختر ناپدید شده ادامه یافت و بعد از یک هفته از این ماجرا خانواده شاکي دوباره به پلیس آگاهی آمدند و گفتند فردی در تماس تلفنی با آنها گفته که دخترشان را ربوده و در برابر آزادی او پنج میلیارد تومان پول می خواهد تا بلایی سر دخترمان نیاورد.  
ماموران با آموزش به شاکي از او خواستند با آدم ربا قرار بگذارند که پسر ۲۰ ساله ای در محل قرار دستگیر شد. او در تحقیقات گفت: من و دختر ۱۳ ساله این خانواده در اینستاگرام دوست شده و ارتباطمان شکل گرفت. به هم علاقه مند شدیم و می خواستیم ازدواج کنیم، اما سن او کم بود و می دانستیم که خانواده هایمان با این ازدواج مخالفت می کنند. بعد تصمیم گرفتیم که نقشه خودرایی هردویمان را انجام دهیم تا پولی به دست آورده و ازدواج کنیم. طبق نقشه مان اول دختر ۱۳ ساله طلاهای مادرش را سرقت کرد و خانه را به هم ریخت و از خانه فرار کرد و نزد من آمد. بعد در تماس با خانواده اش درخواست پول کردم و می خواستم با این روش از خانواده خودم هم اخاذی کنم.  
با اعتراف او، خانه ای که دختر نوجوان در آنجا نگهداری می شد شناسایی شد. دختر نوجوان نیز به ماجرای خودرایی اعتراف کرد. سرنگ کاراگاه مرئضی نثار، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، برای متهمان فرار قانونی صادر کرد و تحقیقات از آنها ادامه دارد.